احکام و تعالیم فردی - مراجعه به طبیب حاذق هنگام بیماری

حضرت بهاءالله

مراجعه به طبیب حاذق هنگام بیماری

حضرت بهاءالله:

١ – " إذا مرضتم ارجعوا إلى الحذّاق من الأطباء إنّا ما رفعنا الأسباب بل أثبتناها من هذا القلم الّذي جعله الله مطلع أمره المشرق المنير "، (کتاب اقدس – بند ١١٣)

٢ - " لَا تَتْرُكِ الْعِلاجَ عِنْدَ الإِحْتِيَاجِ وَدَعْهُ عِنْدَ اسْتِقَامَةِ المَزَاجِ "، (از لوح مبارک طبّ، ص ٣-٢٢٢ - مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

٣ - " قَابِلِ الأَمْرَاضَ بِالأَسْبابِ وَهَذَا القَوْلُ فِي هَذَا البَابِ فَصْلُ الخِطَابِ "، (لوح مبارک طبّ، ص ٢٢٣ - مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

٤ - " لعمری الطّبيب الّذي شرب خمر حبّي لقاؤه شفاء ونفسه رحمة ورجاء قل تمسّكوا به لاستقامة المزاج إنّه مؤيد من الله للعلاج"، (از لوح مبارک طبّ، ص ٥-٢٢٤ - مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

٥ - " امر مبرم الهی آنکه باید مریض بطبیب حاذق رجوع نماید و آنچه بگوید بآن عمل کند "، (گنجینه حدود و احکام - ص ٢٤٣)

٦ - " حکم الله آنکه مریض به تجویز اطبّاء باید عمل نماید ولکن حکیم باید حاذق باشد در اینصورت آنچه امر کند باید بآن عمل شود چه که حفظ انسان لدی الله از هرامری اعظم تر است . حقّ جَلّ جَلالُهُ عِلْم اَبدان را مقدّم داشته چه که در وجود و سلامتی آن اجرای احکام بر او لازم و واجب . دراین صورت سلامتی مقدّم بوده و خواهد بود "، (امر و خلق - ص ١١-١٠ ج ٣)

٧ - " حاذقین اطبّا و جرّاحین آنچه بنمایند درباره مریض ممضی و مجری است ولکن باید بطراز عدل مزیّن باشند اگر بحقّ عارف باشند البتّه اولی و احبّ است "، (گنجینه حدود و احکام - ص ٤-٢٤٣)

حضرت عبدالبهاء:

۱ - " کلّ مأمور بمعالجه و متابعت حُکماء هستند. این محض اطاعت امرالله است والّا شافی خدا "، (ص ۱۵۲ ج ۱ منتخباتی ازمکاتیب - ص ۱۵۲ ج ۱)

۲ - " از رأی حکیم حاذق بنصّ مبارک نباید خارج شد و مراجعت فرض ولو نفس مریض حکیم شهیر بی نظیر باشد . باری مقصود اینست که با مشورت حکیم بسیار حاذق محافظه صحّت فرمائید "، (منتخباتی از مکاتیب - ص ۱۵۳ ج ۱)

۳ - " اسباب شفای امراض دو نوع است سبب جسمانی و سبب روحانی . امّا سبب جسمانی معالجه طبیبان و امّا سبب روحانی دعا و توّجه رحمانیان و هر دو را باید بکار برد و تشبّث نمود . امراضی که بسبب عوارض جسمانی عارض گردد بدوای طبیبان معالجه شود و بعضی امراض که بسبب امور روحانی حاصل شود آن امراض باسباب روحانی زائل گردد مثلا امراضی که منبعث از احزان و خوف و تاثّرات عصبیّه حاصل گردد معالجه روحانی بیش از علاج جسمانی تأثیر دارد . پس این دو نوع معالجه را باید مجری داشت هیچیک مانع از دیگری نیست ....."، (منتخباتی از مکاتیب - ص ۱٤۸ج ۱)

٤ - " ای امة الله مناجاتهائی که بجهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده لهذا بجهت شفای روحانی و جسمانی ،هر دو ،تلاوت نمائید اگر مریض را شفا مناسب و موافق البته عنایت گردد ولی بعضی از مریض هاشفا از برایشان سبب ضررهائی دیگر شود اینست حکمت اقتضای استجابت دعا ننماید . ای امة الله قوّه روح القدس امراض جسمانی و روحانی هر دو را شفا دهد "، (منتخباتی از مکاتیب - ص ۱۵۸ ج ۱)

۵ - " در وقت معالجه توجّه بجمال مبارک کن و آنچه بر قلب القا میشود مجری دار مریضان را بفرح الهی و سرور روحانی معالجه نما دردمندان را درمان بشارت کبری ده و مجروحین را مرهم موهبت عظمی بخش . ببالین هر بیماری چون حاضر گردی سرور و فرح و شادمانی ده و بقوّه روحانی انجذابات رحمانی بخش . این نَفس رحمانی حیات بخش عظم رمیم است و محیی ارواح هر علیل و سقیم"، (منتخبات مکاتیب - ص ۸-۱٤۷ ج ۱)

٦ - " ای طبیب ادیب ... تو الحمدالله که دو قوّه داری طبابت جسمانی و طبابت روحانی و روحانیّات را نفوذی عظیم در عالَم جسمانی مثلا مریض را بشارتی ده و سرور و تسلّی ده و بوجد و طرب آر . بسیار واقع که آن سرور و فرح سبب شفای عاجل شد....حال چون چنین است به دو قوّه معالجه نما. احساسات روحانیّه را د رامراض عصبیّه تأثیری عجیب است "، (منتخباتی از مکاتیب - ص ۱٤۷ ج ۱)